

بررسی اثر هموارسازی سود و ساختار مالکیت بر چسبندگی هزینه

عباس قدرتی زوارم

گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه فنی حرفه ای، شیروان، ایران. (نویسنده مسئول).
abbas.ghodratizoeram@gmail.com

محمد نوروزی

گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی و تربیت بدنی، مدرس دانشگاه گنبد کاووس، گنبد کاووس، ایران.
mohammad_n488@yahoo.com

مرضیه روز خوش

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشکده علوم انسانی، موسسه آموزش عالی اشراق، بجنورد، ایران.
roozkhosh93@gmail.com

عظیمه نجاری

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشکده علوم انسانی، موسسه آموزش عالی اشراق، بجنورد، ایران.
azimehhani20062007@gmail.com

چکیده

پژوهش‌های اخیر در ارتباط با این است که هزینه‌ها رفتار نامتقارن دارند؛ یعنی میزان کاهش هزینه‌ها به هنگام کاهش فروش، کمتر از میزان افزایش هزینه‌ها به هنگام همان میزان افزایش فروش است. این رفتار نامتقارن هزینه‌ها به چسبندگی هزینه معروف شده است. از این رو؛ پژوهش حاضر به بررسی اثر هموارسازی سود و ساختار مالکیت بر چسبندگی هزینه در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد. در این پژوهش ابتدا اثر سهامداران نهادی به‌عنوان ساختار مالکیت را بر چسبندگی هزینه و سپس اثر متقابل هموارسازی سود و راهبری شرکتی را با چسبندگی هزینه مورد بررسی قرار خواهیم داد. جامعه آماری این پژوهش را شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران شکل داده است و شامل ۸۵ شرکت فعال در صنایع مختلف طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۹ است. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش رگرسیون چندگانه استفاده شده است. یافته‌ها بیانگر آن است که ساختار مالکیت باعث کاهش چسبندگی هزینه می‌گردد؛ گرچه به‌عنوان یک عاملی قوی برای کاهش هموارسازی سود نیست. همچنین نتایج پژوهش بیانگر آن است که بین هموارسازی سود و چسبندگی هزینه رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی: هموارسازی سود، هزینه‌های عمومی، اداری و فروش، ساختار مالکیت.

مقدمه

آگاهی از چگونگی رفتار هزینه‌ها نسبت به تغییرات سطح فعالیت و یا سطح فعالیت و یا سطح فروش از اطلاعات مهم برای تصمیم‌گیری مدیران در خصوص برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی، قیمت‌گذاری محصولات، تعیین نقطه سر به سر و سایر موارد مدیریتی است (نمازی و دیگران، ۱۳۷۷؛ نوروش و صادقیان، ۱۳۷۸). مدل‌های سنتی هزینه فرض می‌کنند که هزینه‌ها متناسب با سطح فعالیت تغییر می‌کنند؛ اما پژوهش‌های تجربی اخیر نشان می‌دهد که هزینه‌ها رفتار نامتقارن دارند؛ یعنی زمانی که تقاضا افزایش یابد، هزینه‌ها به سرعت افزایش می‌یابد و زمانی که تقاضا کاهش یابد، با سرعت کمتری کاهش می‌یابد (اندرسون^۱ و همکاران، ۲۰۰۳؛ بیدل^۲ و همکاران، ۲۰۰۹). اندرسون و همکاران (۲۰۰۳) این رفتار

¹ Anderson, M. C et al.

² Biddle, G. C et al.

هزینه‌ها را "چسبندگی هزینه‌ها" نامیدند. چسبندگی هزینه‌ها یکی از ویژگی‌های رفتار هزینه‌ها نسبت به تغییرات سطح فعالیت است و بیانگر آن است که بزرگی افزایش در هزینه‌ها هنگام افزایش سطح فعالیت، بیشتر از بزرگی کاهش هزینه‌ها در هنگام کاهش در سطح فعالیت است.

با توجه به ماهیت گسترده شرکت‌های مدرن از هزینه‌های نمایندگی، این انتظار از مدیران می‌رود که هزینه‌ها را به نحوی ایده آل تنظیم کنند (جنسن و میکین، ۱۹۷۶). برادلی و چن (۲۰۱۰) دریافتند که اهمیت راهبری شرکتی تابعی از سطح درگیری نمایندگی در یک شرکت است. رفتارهای مدیران برای انجام مدیریت سود یکی از اختلافات میان مدیران و ذینفعان است. هلی (۱۹۸۵) بیان کرد که مدیران درازای دریافت پاداش بالاتر به دست‌کاری و هموارسازی سود می‌پردازند. به احتمال زیاد برای جلوگیری از نقص بدهی‌ها، مدیران اقدام به انتخاب بین سیاست‌های مدیریتی و حسابداری می‌کنند (اسوینی، ۱۹۹۴). موضوع راهبری شرکتی به لزوم نظارت بر مدیریت شرکت و به تفکیک واحد اقتصادی از مالکیت آن و درنهایت به حفظ حقوق سرمایه‌گذاران و ذی‌نفعان می‌پردازد. نظام راهبری شرکتی با تکیه بر تقویت فرهنگ پاسخگویی، راستی و امانت‌داری در مدیران و ارتقای شفافیت اطلاعاتی موجب محدود شدن رفتار فرصت‌طلبانه و سودجویانه مدیران می‌شود. بنابراین، باعث بهبود کیفیت و ویژگی قابل‌اعتماد بودن گزارشگری مالی خواهد شد. این نظارت بر فعالیت مدیران با انواع ساختار مالکیت است؛ به عبارت دیگر، این نظارت می‌تواند توسط سهامداران و به‌ویژه سهامداران نهادی انجام شود. کالیجا^۱ و همکاران (۲۰۰۶) نشان دادند که چسبندگی هزینه‌ها ممکن است ناشی از نظام‌های متفاوت حاکمیت شرکتی باشد. حاکمیت شرکتی قوی می‌تواند مسئله نمایندگی و مهار انگیزه‌های مدیران را برای پیشبرد منافع خود با هزینه سهامداران کاهش دهد (شلیفر و ویشنی^۲، ۱۹۹۷).

مطالعات پیشین به اثر هموارسازی سود بر چسبندگی هزینه پرداخته‌اند. دایرینک و ریندرز (۲۰۰۹) دریافتند که چسبندگی هزینه‌های نیروی کار در شرکت‌هایی که نرخ بازده دارایی مثبت دارند منجر به درآمد کمتر در شرکت می‌گردد. کاما و ویس (۲۰۱۰) بیان کردند که مدیران شرکت‌ها برای کاهش چسبندگی هزینه‌های عملیاتی از کاهش سود و زیان عملیاتی اجتناب می‌کنند. مک کانل و سرواتز^۱ (۱۹۹۰)، دل گورسیو و هاوکینز^۲ (۱۹۹۹) و هارتزل و استارک (۲۰۰۱) شواهدی یافتند که بر اساس آن شرکت‌های نظارت شونده از طریق سرمایه‌گذاران نهادی می‌توانند رفتارهای مدیران را محدود کنند. هزینه‌های فروش در مقایسه با هزینه‌های دیگر متفاوت است و مدیران در ارتباط با هموارسازی سود ترجیح می‌دهند برای کاهش هزینه‌ها، هزینه‌های فروش محصولات را کاهش دهند تا با این عمل بتوانند چسبندگی هزینه را کاهش دهند.

از این رو ابتدا در این پژوهش به بررسی اثر هموارسازی سود بر چسبندگی هزینه پرداخته و سپس اثر ساختار مالکیت بر چسبندگی هزینه‌ها را به‌عنوان بخش اساسی از عملیات مدیریتی که با مطالعات در خصوص هموارسازی سود متضاد بوده است را بررسی خواهیم کرد.

برای پاسخ به این سؤال، از سهامداران نهادی به‌عنوان ساختار مالکیت در شرکت‌ها در این پژوهش استفاده کرده‌ایم تا تأثیر آن را بر چسبندگی هزینه بسنجیم و از سویی به دنبال این هستیم که آیا هموارسازی سود بر چسبندگی هزینه اثر معناداری خواهد داشت یا خیر؟ و برای پاسخ به این سؤال از مدل تعدیل‌شده جونز برای متغیر هموارسازی سود استفاده خواهیم کرد.

¹ Calleja K, Steliaros M, Thomas D.

² Shleifer, A., and Vishny, R. W

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در مورد برآورد ساختار هزینه‌های سازمان ادبیات غنی وجود دارد. اندرسون و همکاران (۲۰۰۳) مفهوم چسبندگی هزینه را معرفی کردند. آن‌ها استدلال کردند که به‌طور کلی، هزینه‌ها پاسخ متفاوتی به تغییرات رو به بالا یا رو به پایین به فعالیت فروش می‌دهند. به‌طور ویژه، میزان افزایش در هزینه‌ها هنگام افزایش در سطح فعالیت، بیشتر از میزان کاهش در هزینه‌ها هنگام کاهش در حجم فعالیت است، که به این معنی است که هزینه‌ها چسبنده هستند. اندرسون و همکاران (۲۰۰۳) نشان می‌دهند که با افزایش ۱٪ در سطح فروش، هزینه‌های فروش، اداری و عمومی ۰/۵۵٪ افزایش، و با کاهش ۱٪ در سطح فروش هزینه‌های فروش، اداری و عمومی ۰/۳۵٪ کاهش می‌یابد. مدل چسبندگی هزینه که توسط اندرسون و همکاران (۲۰۰۳) ارائه شد، تأیید می‌کند که هزینه‌های متحمل شده در یک دوره تا حدی به هزینه‌های متحمل شده در دوره‌های قبلی بستگی دارد. سطح فعالیت در دوره جاری و سطح هزینه‌ها و فعالیت در دوره‌های قبلی بر روی هزینه‌های متحمل شده در دوره جاری تأثیر می‌گذارند. در مقابل، مدل‌های سنتی رفتار هزینه ادعا می‌کنند که میزان هزینه‌های متحمل شده در دوره جاری تنها به حجم فعالیت دوره جاری بستگی دارد. این وابستگی به این دلیل مطرح می‌شود که مدل چسبندگی هزینه بر خلاف مدل‌های سنتی ایستا، رفتار استراتژیک هزینه‌ها را در نظر می‌گیرد؛ به‌ویژه چسبندگی هزینه‌ها به دلیل نقش مدیران در تعدیل منابع موردنیاز فعالیت‌ها رخ می‌دهد (بالاکریشان و گروسا، ۲۰۰۸).

اندرسون و همکاران (۲۰۰۳) استدلال می‌کنند که دو عامل هزینه‌های تعدیل و اعتقاد در مورد تقاضای آتی برای منابع می‌تواند بر تصمیمات مدیران تأثیرگذار باشد. اندرسون و همکاران (۲۰۰۳) و کالیجا و همکاران (۲۰۱۵) بر این عقیده‌اند که دلایل مختلفی برای چسبندگی هزینه‌ها، همچون بی‌میلی طبیعی برای اخراج کارکنان هنگام کاهش حجم فعالیت، هزینه‌های نمایندگی و نیاز به زمان لازم برای تأیید تمایل به کاهش حجم فعالیت وجود دارد. تصمیم مدیران به حفظ منابع بلااستفاده می‌تواند ناشی از ملاحظات شخصی باشد و نوعی هزینه نمایندگی ایجاد کند. هزینه‌های نمایندگی به‌وسیله شرکت تحمل می‌شود؛ چراکه ممکن است مدیران تصمیماتی بگیرند که در جهت حداکثر کردن منافع شخصی خود و نه در جهت ایجاد ارزش برای سهامداران شرکت باشد (اندرسون و همکاران، ۲۰۰۳؛ مدیریوس و کاستا، ۲۰۰۴).

هموارسازی سود و چسبندگی هزینه

بر اساس تحقیقات گذشته، مدیریت سود باعث اجتناب از انتشار گزارش‌ها سود و زیان شرکت یا کاهش درآمدهای آن، تطابق یا مغایرت با پیش‌بینی‌های تحلیلگران، کاهش مالیات و کاهش احتمالی بدهی‌های پرداخت‌نشده شرکت خواهد شد. بورگستاهر و دیچر (۱۹۹۷) و دیگو رگی و همکاران (۱۹۹۹) دریافتند که مدیریت سود به اجتناب از ارائه گزارش‌هایی در مورد سود و زیان‌های کم و کاهش درآمد شرکت می‌شود. رویچودھوی (۲۰۰۶) و چن و همکارانش (۲۰۰۸) نشان دادند که هموارسازی سود، موجب کاهش هزینه‌های شرکت و اجتناب از انتشار اخبار منفی درباره شرکت می‌شود. طبق تحقیقات این محققان، در نمونه فرعی هموارسازی سود رو به افزایش، داده‌ها در دودسته طبقه‌بندی شده‌اند. داده‌های دسته اول، سود مثبت کم را نشان می‌دهد که بیانگر وجود انگیزه‌هایی برای اجتناب از ارائه اخبار ضررهای شرکت است. داده‌های دسته دوم، نشان‌دهنده افزایش اندک در بازگشت سرمایه است که بیانگر انگیزه موجود برای عدم انتشار اخبار مربوط به کاهش درآمدهای شرکت می‌گردد. مشاهدات سالانه شرکت‌هایی که درصد سود آن‌ها نسبت به کل دارایی‌های شرکت بین ۰ تا ۱/۵ درصد است به‌عنوان نمونه فرعی سود مثبت کم، و شرکت‌هایی که تغییرات درآمدی آن‌ها نسبت به کل دارایی شرکت بین ۰ تا ۱ درصد باشد به‌عنوان نمونه فرعی افزایش اندک درآمدی، موردبررسی قرار می‌گیرند. هر دو این موارد هموارسازی سود رو به افزایش را تشکیل می‌دهند و در اینجا از مدل EAMG به‌عنوان شاخصی که اگر

مشاهدات متعلق به نمونه فرعی باشد ارزش آن برابر ۱ است و در غیر این صورت برابر صفر خواهد بود استفاده شده است. بنابراین انتظار می‌رود:

فرضیه اول: هموارسازی سود توسط مدیران به‌طور قابل توجهی چسبندگی هزینه‌ها را کاهش می‌دهد.

ساختار مالکیت و چسبندگی هزینه

فرضیه‌های مختلفی در ارتباط با علت رخداد چنین رفتار چسبنده‌ای در هزینه‌ها وجود دارد (کوپر و کاپلان، ۱۹۹۸). یکی از نظریه‌های غالب، اقدام مدیریت در حفظ ظرفیت بی‌استفاده در دوره‌های کاهش درآمد به‌منظور پرهیز از هزینه‌های تعدیل ظرفیت تولیدی و کاهش سطح دارایی‌های عملیاتی است (اندرسون و همکاران، ۲۰۰۳). برخی از پژوهشگران (چن و همکاران، ۲۰۰۸؛ مدیریوس و کاستا، ۲۰۰۴) چنین پدیده‌ای را از منظر تئوری نمایندگی و انگیزه‌های شخصی مدیران در حفظ سطح ظرفیت تولیدی در دوره‌های کاهش درآمد نیز تحلیل کرده‌اند پژوهشگران (اندرسون و همکاران، ۲۰۰۷؛ بانکر و چن، ۲۰۰۶) همچنین به بررسی اهمیت توجه به رفتار چسبنده هزینه‌ها در ارزیابی عملکرد آتی شرکت و تجزیه و تحلیل‌های بنیادی پرداخته‌اند. به‌عنوان مثال بانکر و چن (بانکر و چن، ۲۰۰۶) مدلی برای پیش‌بینی نرخ بازده سرمایه‌گذاری، که در آن مدل رفتار چسبنده هزینه‌ها نیز لحاظ شده بود ارائه نمودند و با مقایسه مدل خود با سه مدل سنتی که در آن به رفتار چسبنده هزینه‌ها توجه نشده بود، نشان دادند که مدل آن‌ها دقت بیشتری در پیش‌بینی بازده سرمایه‌گذاری دارد. بنابراین انتظار می‌رود:

فرضیه دوم: ساختار مالکیت باعث کاهش چسبندگی هزینه‌ها می‌شود.

پیشینه پژوهش

آغاز پژوهش تجربی در خصوص ارتباط بین ساختار مالکیت و رفتار هزینه‌ها را می‌توان در مطالعات کالجا و همکاران (۲۰۰۶) و بانکر و چن (۲۰۰۶) جستجو کرد. یافته‌های این پژوهش‌گران نشان داد که ساختار مالکیت بر میزان چسبندگی هزینه‌ها تأثیر دارد. میزان چسبندگی هزینه در کشورهای دارای سیستم راهبری شرکتی قانون محور در مقایسه با کشورهای دارای سیستم راهبری شرکتی عرف محور بیشتر است.

بعدها، چن و همکاران (۲۰۰۸) دریافتند که با افزایش تضاد منافع بین مدیران و سهامداران، رفتار نامتقارن هزینه‌ها (چسبندگی هزینه‌ها) افزایش می‌یابد. این پژوهش‌گران پیشنهاد دادند که یک سیستم راهبری شرکتی خوب می‌تواند از طریق الزام مدیران به کاهش هزینه‌های عمومی، اداری و فروش، سبب کاهش چسبندگی هزینه‌ها شود.

بانکر و همکاران (۲۰۱۱) نیز به نتیجه‌ای مشابه با چن و همکاران (۲۰۰۸) دست یافتند. نتایج پژوهش این پژوهش‌گران نشان داد که میزان چسبندگی هزینه‌ها با افزایش تضاد منافع بین مدیران و مالکان افزایش می‌یابد.

پیچتکان (۲۰۱۲) با استفاده از رویکردهای مدل‌سازی معادلات ساختاری، تحلیل عاملی و تحلیل رگرسیون چندگانه، به بررسی عوامل تعیین‌کننده رفتار چسبنده هزینه‌ها در شرکت‌های تأیلمندی پرداخت. نتایج پژوهش حکایت از ارتباط مثبت معنادار بین هزینه‌های نمایندگی و میزان چسبندگی هزینه‌ها داشت. همچنین پژوهشگر دریافت که هزینه‌های سیاسی و راهبری شرکتی با میزان چسبندگی هزینه‌ها ارتباط منفی معنادار دارند.

چن و همکاران (۲۰۱۲) رابطه بین هزینه‌های نمایندگی و راهبری شرکتی با رفتار نامتقارن هزینه‌های عمومی، اداری و فروش را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش نشان داد که هزینه‌های نمایندگی نقش مهمی در توضیح رفتار نامتقارن هزینه‌های عمومی، اداری و فروش دارد. این توان توضیح دهندگی در شرکت‌های دارای سیستم راهبری ضعیف‌تر، بیشتر است.

شویی و لیجان (۲۰۱۱) به بررسی رابطه بین منافع شخصی مدیریت و چسبندگی هزینه‌ها در شرکت‌های چینی پرداختند. نتایج پژوهش حکایت از وجود رابطه مثبت بین رفتار فرصت‌طلبانه مدیریت و میزان چسبندگی هزینه‌ها داشت. همچنین نتایج نشان داد که بین متغیرهای جدایی رئیس هیئت‌مدیره از مدیرعامل، تعداد مدیران مستقل در هیئت‌مدیره، و اندازه هیئت‌مدیره با چسبندگی هزینه‌های عمومی، اداری و فروش ارتباط مثبت معنادار وجود دارد. نمازی و دوانی پور (۱۳۸۹)، رفتار چسبندگی هزینه‌ها در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی کردند. نتایج این پژوهش نشان داد هزینه‌های اداری، عمومی و فروش چسبندگی دارند و شدت چسبندگی هزینه‌ها در دوره‌هایی که قبل از آن کاهش درآمد رخ داده، کمتر و برای شرکت‌هایی که نسبت جمع دارایی‌ها به فروش بزرگ‌تری دارند، بیشتر بوده است. کردستانی و مرتضوی (۱۳۹۱)، معتقدند انتظار افزایش فروش در آینده توسط مدیریت، موجب کاهش چسبندگی بهای تمام‌شده فروش می‌شود و هرچه این خوش‌بینی بیشتر باشد، چسبندگی بهای تمام‌شده فروش، بیشتر کاهش می‌یابد. اما، خوش‌بینی مدیریت، چسبندگی هزینه‌های فروش، عمومی و اداری را افزایش می‌دهد و چسبندگی این هزینه‌ها، در صورت خوش‌بینی زیاد مدیریت، بیشتر از حالت خوش‌بینی کم است که شواهدی قوی از تأیید فرضیه تصمیم‌های سنجیده در مورد هزینه‌های فروش، عمومی و اداری محسوب می‌شود. قائمی و نعمت‌الهی (۱۳۸۵) طی پژوهشی به بررسی رفتار هزینه‌ها در شرکت‌های تولیدی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. به‌منظور بررسی چسبندگی با استفاده از رابطه‌ی درآمد فروش با هزینه‌ها، چسبندگی هزینه‌ها از طریق رگرسیون سه متغیره بررسی شد. نتایج حاکی از آن است که هر یک از هزینه‌های مورد بررسی، چسبنده هستند.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی است و چون می‌تواند در فرآیند استفاده از اطلاعات کاربرد داشته باشد، از دسته پژوهش‌های کاربردی شمرده می‌شود. آزمون فرضیه‌ها به کمک تحلیل رگرسیون چند متغیره انجام گرفت، برای بررسی معنی‌داری مدل رگرسیون، از آماره F استفاده شد و برای بررسی معنی‌دار بودن ضریب متغیرهای مستقل، از آماره t بهره برده شده است، ارزیابی استقلال پسماندها نیز با استفاده از آماره دوربین-واتسون انجام گرفت. روش رگرسیونی به‌کاررفته شده در پژوهش، روش حداقل مربعات با استفاده از داده‌های ترکیبی است. در روش داده‌های ترکیبی برای انتخاب یکی از دو روش مدل رگرسیونی تلفیقی و مدل رگرسیون اثرهای ثابت (داده‌های پانل)، آزمون F لیمر به کار می‌رود. چنانچه روش داده‌های پانل انتخاب شود، از آزمون هاسمن برای گزینش میان روش‌های اثرهای ثابت و اثرهای تصادفی استفاده می‌شود. تحلیل آماری به کمک نسخه هشتم از نرم‌افزار Eviews انجام گرفته است. برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. بدین منظور برای مطالعه ادبیات موضوع و بررسی پیشینه پژوهش‌های انجام‌گرفته، از مقاله‌ها و مجله‌های تخصصی فارسی و لاتین بهره‌جویی شده است. برای جمع‌آوری داده‌های متغیرهای پژوهش از پایگاه اینترنتی متعلق به مرکز مدیریت پژوهش و مطالعات اسلامی سازمان بورس اوراق بهادار تهران استفاده شده است.

جامعه و نمونه آماری

پژوهش حاضر، بر اساس اطلاعاتی از صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، در دوره زمانی ۱۳۸۸-۱۳۹۹ انجام گرفته است. روش نمونه‌گیری از جامعه آماری، حذفی سیستماتیک بوده است که بر اساس معیارهای زیر انتخاب شده‌اند:

- شرکت قبل از سال ۱۳۸۸ در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد و نام آن تا پایان سال ۱۳۹۹، از فهرست شرکت‌های یادشده حذف نشده باشد.
- برای رعایت امکان مقایسه پذیری، پایان سال مالی آن‌ها، ۲۹ اسفندماه باشد.
- به دلیل شفاف نبودن مرزبندی بین فعالیت‌های عملیاتی و تأمین مالی شرکت‌های مالی، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، هلدینگ، بانک و لیزینگ از نمونه حذف شده‌اند.
- به منظور افزایش هم‌سنجی و همسان‌سازی شرایط، طی دوره موردبررسی (۱۳۸۸-۱۳۹۹) تغییر سال مالی نداشته باشند. همچنین اطلاعات مالی آن‌ها در دسترس باشد.
- با در نظر گرفتن شرایط فوق، نمونه‌ای با حجم ۸۵ شرکت از جامعه آماری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انتخاب شده است.

مدل آزمون فرضیه‌ها و تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

چسبندگی هزینه

رابطه (۱)

$$\text{Log} \left[\frac{\text{SGA}_{i,t}}{\text{SGA}_{i,t-1}} \right] = \beta_0 + \beta_1 \log \left[\frac{\text{REV}_{i,t}}{\text{REV}_{i,t-1}} \right] + \left\{ \gamma_0 + \sum_{j=1}^n \gamma_j \text{CON}_{i,t,j} \right\} * \text{DUM} * \log \left[\frac{\text{REV}_{i,t}}{\text{REV}_{i,t-1}} \right] + \varepsilon_{i,t}$$

(شانگ ژو و یان هونگ، ۲۰۱۵)

که در آن:

$\text{SGA}_{i,t}$ = هزینه‌های اداری، عمومی و فروش شرکت i در دوره t .

$\text{REV}_{i,t}$ = لگاریتم طبیعی درآمد.

$\text{DUM} = 1$ اگر $\text{REV}_{i,t-1} > \text{REV}_{i,t}$ مقدار آن برابر ۱ و در غیر این صورت برابر صفر است.

از آنجاکه جامعه مورد مطالعه، شرکت‌های مختلف در انواع صنایع و در اندازه‌های متفاوت را شامل می‌شود، بنابراین؛ استفاده از این مدل که مبتنی بر شاخص‌های نسبی و لگاریتمی است باعث می‌شود که قابلیت مقایسه متغیرها در میان شرکت‌ها را افزایش دهد و تفسیر ضرایب برآورد شده را همسان کند. چون ارزش متغیر DUM در زمان افزایش درآمد صفر است؛ بنابراین، این ضریب β_0 درصد افزایش در هزینه‌های اداری، عمومی و فروش را در نتیجه ۱٪ افزایش در درآمد فروش نشان می‌دهد. همچنین از آنجاکه ضریب متغیر DUM در هنگامی که درآمد کاهش می‌یابد، برابر ۱ است؛ بنابراین مجموع ضرایب $\beta_1 + \beta_2$ بیانگر درصد کاهش در هزینه‌های اداری، عمومی و فروش در نتیجه ۱٪ کاهش در درآمد فروش است. اگر هزینه‌های اداری، عمومی و فروش چسبیده باشند، باید درصد افزایش در هزینه‌ها در دوره‌های افزایش درآمد بیشتر از درصد کاهش هزینه‌ها در دوره‌های کاهش درآمد باشد. به عبارت دیگر باید $\beta_1 > 0$ و $\beta_2 < 0$ باشد.

متغیر کنترلی؛ در این پژوهش، Tobin Q و CAPR به عنوان متغیر کنترلی در نظر گرفته شده است، چراکه در بسیاری از تحقیقات حاضر در رابطه با راهبری شرکتی در نظر گرفته شده است. که آن را به صورت زیر محاسبه خواهیم کرد.

Tobin Q : برای اندازه‌گیری کیو توین از نرخ رشد شرکت در سال t استفاده شده است (شانگ ژو و یان هونگ، ۲۰۱۵).

CAPR : شدت سرمایه، به عنوان ارزش خالص دارایی‌های ثابت با درآمدهای عملیاتی در نظر گرفته شده است (همان

منبع).

از این رو، از مدل (۱) برای باز شرح مدل (۲) استفاده می‌کنیم.

مدل (۲)

$$\begin{aligned} \text{Log} \left[\frac{\text{SGA}_{i,t}}{\text{SGA}_{i,t-1}} \right] = & \beta_0 + \beta_1 \log \left[\frac{\text{REV}_{i,t}}{\text{REV}_{i,t-1}} \right] + \beta_2 \text{DUM} * \log \left[\frac{\text{REV}_{i,t}}{\text{REV}_{i,t-1}} \right] + \beta_3 \text{DUM} * \text{CAPR}_{i,t} \\ & * \log \left[\frac{\text{REV}_{i,t}}{\text{REV}_{i,t-1}} \right] + \beta_4 \text{DUM} * \text{TOBQ}_{i,t} * \log \left[\frac{\text{REV}_{i,t}}{\text{REV}_{i,t-1}} \right] + \varepsilon_{i,t} \end{aligned}$$

(شانگ ژو و یان هونگ، ۲۰۱۵)

از مدل (۳) برای نحوه سنجش ساختار مالکیت بر چسبندگی هزینه استفاده شده است.

مدل (۳)

$$\begin{aligned} \text{Log} \left[\frac{\text{SGA}_{i,t}}{\text{SGA}_{i,t-1}} \right] = & \beta_0 + \beta_1 \log \left[\frac{\text{REV}_{i,t}}{\text{REV}_{i,t-1}} \right] + \beta_2 \text{DUM} * \log \left[\frac{\text{REV}_{i,t}}{\text{REV}_{i,t-1}} \right] + \sum_{j=3}^8 \beta_j \text{DUM} * \text{FACT}_{i,t} \\ & * \log \left[\frac{\text{REV}_{i,t}}{\text{REV}_{i,t-1}} \right] + \beta_4 \text{DUM} * \text{CAPR}_{i,t} * \log \left[\frac{\text{REV}_{i,t}}{\text{REV}_{i,t-1}} \right] + \beta_5 \text{DUM} * \text{TOBQ}_{i,t} \\ & * \log \left[\frac{\text{REV}_{i,t}}{\text{REV}_{i,t-1}} \right] \varepsilon_{i,t} \end{aligned}$$

(شانگ ژو و یان هونگ، ۲۰۱۵)

FACT = ساختار مالکیت که سهامداران نهادی به عنوان ساختار مالکیت شرکت در این پژوهش در نظر گرفته شده است. (همان منبع). در این پژوهش ساختار مالکیت به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است.

هموارسازی سود

در این پژوهش، برای اندازه‌گیری هموارسازی سود، از مدل تعدیل‌شده جونز (ارائه‌شده به وسیله دچو، سلوان و سویینی، ۱۹۹۵) استفاده شده است، زیرا این مدل قادر به حل مسئله پژوهش در دست است. افزون بر این پژوهش گران فوق (۱۹۹۵) بر اساس چهار سری آزمون‌های انجام گرفته به این نتیجه رسیدند، که روش جونز تعدیل‌شده، آزمون مناسب‌تر و قوی‌تری برای بررسی هموارسازی سود است. این مدل به شرح زیر است (به نقل از بولو و حسنی، ۱۳۸۶):

$$\frac{\text{TA}_{i,t}}{\text{A}_{i,t-1}} = \alpha_0 \left(\frac{1}{\text{A}_{i,t-1}} \right) + \beta_1 \frac{\Delta \text{REV}_{i,t}}{\text{A}_{i,t-1}} + \beta_2 \frac{\text{PPE}_{i,t}}{\text{A}_{i,t-1}} + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن:

TA_{i,t}: جمع اقلام تعهدی شرکت i در سال t است و این رقم از کسر کردن جریان‌های نقد عملیاتی از سود قبل از اقلام غیرمترقبه به دست می‌آید.

A_{i,t-1}: جمع دارایی‌های اول دوره، ΔREV_{i,t}: تغییر درآمد (فروش) و PPE_{i,t}: ناخالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات است.

α₀, β₁, β₂ ضرایب مدل و ε_{i,t} خطای مدل شرکت i در سال t است.

ضرایب به دست آمده از مدل (۱) را در مدل (۲) به کار برده و تا اقلام تعهدی غیر اختیاری به شرح زیر برآورد می‌گردد:

$$\text{NDA}_{i,t} = \alpha_0 \left(\frac{1}{\text{A}_{i,t-1}} \right) + \beta_1 \frac{\Delta \text{REV}_{i,t} - \Delta \text{REC}_{i,t}}{\text{A}_{i,t-1}} + \beta_2 \frac{\text{PPE}_{i,t}}{\text{A}_{i,t-1}}$$

که در آن:

ΔREC_{i,t}: تغییر در حساب دریافتنی شرکت i در سال t است.

از تفاضل جمع اقلام تعهدی و اقلام تعهدی غیر اختیاری، اقلام تعهدی اختیاری به شرح زیر به دست می‌آید:

$$DA_{i,t} = \frac{TA_{i,t}}{A_{i,t-1}} - NDA_{i,t}$$

نتایج آزمون فرضیات و یافته‌های پژوهش

تحلیل توصیفی داده‌ها

اولین گام در تحلیل آماری تعیین مشخصات خلاصه‌شده داده‌ها و محاسبه شاخص‌های توصیفی است. هدف از این تحلیل، شناخت روابط درونی متغیرها و نشان دادن رفتار آزمودنی‌هاست. جدول‌های (۱) و (۲) و (۳) به ترتیب نشان‌دهنده اندازه شاخص‌های آمار توصیفی مربوط به متغیرهای راهبردی شرکتی و هموارسازی سود و چسبندگی هزینه است.

جدول (۱): اندازه شاخص‌های آمار توصیفی مربوط به متغیرهای وابسته

شرح	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
سهامداران نهادی	۶۹,۴۴	۷۳,۴۷	۹۸,۹۳	۷,۳۷	۲۱,۰۶
هموارسازی سود	۰,۲۴۹	۰,۲۴۰	۲,۲۸	-۴,۳۸	۰,۴۲۳

طبق جدول (۲)، میانگین متغیر هموارسازی سود برای کل شرکت‌های نمونه ۰,۲۴۹ است. مقادیر میانه و انحراف معیار این متغیر نیز به ترتیب ۰,۲۴۰ و ۲,۲۸ است.

جدول (۲): اندازه شاخص‌های آمار توصیفی مربوط به متغیر چسبندگی هزینه

شرح	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
هزینه‌های عمومی، اداری و فروش	۱۴۳۳۱۶	۱۴۵۴۲۱	۲۸۶۸۴۲۱	۱۰۲۱	۷۳۵۸۰۰
درآمد	۱۳۳۳۴۲۲	۱۲۸۸۶۸۲	۸۸۷۹۴۹۷۸	۱۱۷۸۹	۳۹۸۹۴۶۲
چسبندگی هزینه	۱۰۷٪	۱۱۲٪	۳,۲۳٪	۸,۶۶٪	۱۸,۴۴٪

طبق جدول (۲)، میانگین متغیر میزان چسبندگی هزینه‌ها برای کل شرکت‌های نمونه ۱۰۷٪ است. به بیان دیگر، میانگین نسبت هزینه‌های عمومی، اداری و فروش به درآمد شرکت‌ها حدود ۱۰ درصد بوده است. مقادیر میانه و انحراف معیار این متغیر نیز به ترتیب ۱۱۲٪ و ۱۸,۴۴٪ است.

بررسی مفروضات رگرسیون خطی

نرمال بودن اجزای اخلاص مدل: به منظور تعیین نرمالی تر اجزای اخلاص مدل رگرسیون از آزمون جارک-برا استفاده شده است. مقدار آماره این آزمون ۱/۸۰۲ است که با توجه به معنادار نبودن آن در سطح خطای کمتر از ۵٪، فرض نرمال بودن توزیع اجزای مدل تأیید می‌گردد.

خودهمبستگی اجزای اخلاص مدل: برای تشخیص خودهمبستگی بین اجزای اخلاص مدل رگرسیون از آماره دوربین-واتسن استفاده شده است. مقادیر اختیار شده توسط این آماره همواره بین ۰ و ۴ است و نزدیکی این آماره به عدد ۲ بیانگر استقلال اجزای اخلاص مدل است. مقدار این آماره در جدول‌های مربوط به آزمون فرضیه ارائه شده است.

ناهمسانی واریانس اجزای اخلاص مدل: اگر این فرض برقرار نباشد، تخمین زندهای حداقل مربعات معمولی دارای ویژگی کارا بودن (حداقل واریانس) نخواهند بود. به منظور مواجهه با این مشکل، در این مطالعه از روش حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده شده است.

هم خطی مرکب: این مطالعه به منظور رفع مشکل هم خطی مرکب، از تکنیک ترکیب داده‌های مقطعی و سری زمانی (پنل دیتا) استفاده کرده است. علاوه بر این، شاخص عامل تورم واریانس نیز محاسبه گردیده که مقدار آن بیانگر عدم وجود هم خطی مرکب بین متغیرهای توضیح‌دهنده مدل است.

فرایند انتخاب نوع مدل

آزمون F لیمر

به منظور گزینش یکی از روش‌های داده‌های پانلی یا داده‌های یکپارچه، از آماره F لیمر استفاده شده است. آماره این آزمون تعیین می‌کند که عرض از مبدأ جداگانه برای هر یک از شرکت‌ها وجود دارد یا خیر. چنانچه در مشاهدات ناهمگنی یا تفاوت‌های فردی وجود داشته باشد، از روش داده‌های پانلی استفاده می‌شود و در غیر این صورت، روش داده‌های یکپارچه (رگرسیون تلفیقی) به کار می‌رود. آماره آزمون F لیمر به شرح رابطه زیر است.

$$F = \frac{(R_{FE}^2 - R_{POL}^2)/(n - 1)}{1 - R_{FE}^2}/(nt - n - k)$$

که در آن:

R_{FE}^2 = ضریب تعیین رگرسیون با اثرهای ثابت؛

R_{POL}^2 = ضریب تعیین مدل رگرسیونی تلفیقی (عرض از مبدأ مشترک)؛

n = تعداد مشاهدات مقطعی؛

t = تعداد دوره‌های زمانی پژوهش (تعداد سال‌ها)؛

nt = تعداد کل مشاهدات؛

K = تعداد متغیرهای مستقل (توضیحی) مدل است.

جدول (۳): نتایج آزمون F لیمر (همسانی عرض از مبدأهای شرکت)

آزمون اثرهای ثابت مقطعی				
مقدار احتمال	درجه آزادی	آماره	آزمون اثرها	رابطه
۰/۰۰۰	۸۴	۳۰/۳۳۹	مقطعی F	مدل ۲
۰/۰۰۰	۸۴	۲۴/۷۹۴	مقطعی F	مدل ۳

با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون F لیمر، فرضیه صفر رد می‌شود و فرضیه مقابل به تأیید می‌رسد؛ به بیان دیگر، روش داده‌های پانلی مناسب‌تر است.

آزمون هاسمن

پس از انتخاب روش پانل به وسیله آزمون F لیمر، برای انتخاب یکی از دو روش اثرهای ثابت یا اثرهای تصادفی، از آزمون هاسمن استفاده شد. آزمون هاسمن دارای توزیع مجانبی کای دو بوده و درجات آزادی آن برابر با تعداد متغیرهای توضیحی (تعداد رگرسیون‌ها) است. فرضیه H_1 این آزمون، بیانگر وجود تفاوت معنادار در ضرایب برآوردی دو روش اثرهای ثابت و اثرهای تصادفی است. در صورت پذیرش فرضیه H_1 از روش اثرهای ثابت استفاده می‌شود. آمار آزمون هاسمن در رابطه زیر نشان داده شده است.

$$\chi^2 = (b - B) / [(VAR(b) - VAR(B))^{-1}] \cdot (b - B)$$

b = ضرایب برآوردی از طریق روش اثرهای ثابت؛

B = ضرایب برآوردی از طریق روش اثرهای تصادفی.

نتایج آزمون هاسمن در جدول (۴) آمده است.

جدول (۴): نتایج آزمون هاسمن

مقدار احتمال	آماره چی اسکوار	خلاصه آزمون	رابطه
۰/۰۰۰	۱۸/۸۵۵	تصادفی مقطعی	مدل ۲

مدل ۳	تصادفی مقطعی	۱۵/۶۵۴	۰/۰۰۰
-------	--------------	--------	-------

فرضیه اول: هموارسازی سود توسط مدیران به طور قابل توجهی چسبندگی هزینه‌ها را کاهش می‌دهد. فرضیه پژوهش عنوان می‌کند که افزایش هموارسازی سود به طور قابل توجهی چسبندگی هزینه‌ها را کاهش می‌دهد. نتایج حاصل از رابطه بین هموارسازی سود و چسبندگی هزینه به شرح جدول ۵ است.

جدول (۵): خلاصه نتایج آماری ارتباط بین هموارسازی سود و چسبندگی هزینه

معناداری	آماره t	ضریب	شرح
۰,۰۰۱	۴,۵۸	۰,۰۴۹	عرض از مبدأ
۰,۰۳۲	۳,۳۷	۰,۰۰۴	هموارسازی سود (متغیر مستقل) – (EM)
۰,۰۰۱	۱,۸۳	۰,۰۴۰	کیو توبین (متغیر کنترلی) – (Tobin Q)
۰,۰۱۰	۳,۴۶	۰,۰۱۲	شدت سرمایه (متغیر کنترلی) – (CAPR)
	۹۲,۳۸۶		ضریب تعیین تعدیل شده (R^2)
	۲,۳۵۶		آماره دوربین واتسون (DW)
	۴۲,۶۴۶ (۰,۰۰۰)		آماره F (معناداری)

روش‌های آماری استفاده شده برای آزمون فرضیه پژوهش، روش اثرات ثابت است. بدین منظور ابتدا از آزمون F لیمر برای انتخاب از بین روش‌های اثرات مشترک و اثرات ثابت استفاده شد. مقدار آماره F محاسبه شده توسط نرم‌افزار معادل ۳۰/۳۳ بود که با توجه به معنادار بودن آن در سطح خطای کمتر از ۰/۵ امکان استفاده از روش اثرات مشترک میسر نگردید. در مرحله بعد، از آزمون هاسمن به منظور انتخاب از بین روش‌های اثرات ثابت و اثرات تصادفی استفاده شد. با توجه به اینکه مقدار آماره کای دو محاسبه شده توسط نرم‌افزار (۱۸/۸۵) در سطح خطای کمتر از ۰/۵ معنادار بود، لذا از روش اثرات ثابت برای برآورد مدل استفاده گردید.

همان‌گونه که از نتایج جدول (۵) مشهود است، ضریب متغیر مستقل در سطح خطای ۵ درصد معنادار است. همچنین ضریب این متغیر مثبت است که بیانگر ارتباط مثبت بین هموارسازی سود و چسبندگی هزینه است. متغیرهای کنترلی، در این مدل کیو-توبین و شدت سرمایه است که با توجه به سطح خطای ۵ درصد معنادار هستند. ضریب تعیین تعدیل شده مدل نیز ۹۲/۳۸ درصد است که این موضوع نشان می‌دهد حدود ۹۲ درصد از تغییرات چسبندگی هزینه توسط هموارسازی سود توضیح داده می‌شود. بررسی آماره F رگرسیون نیز حکایت از توان توضیح دهنده بالایی مدل دارد. مقدار این آماره در سطح خطای کمتر از یک درصد معنادار است. همچنین بررسی آماره دوربین واتسون نیز بیانگر عدم وجود همبستگی سریالی قوی بین اجزای اخلاص مدل رگرسیون است. دلیل این امر، نزدیک بودن این آماره به سمت عدد ۲ است. با توجه به تحلیل‌های فوق می‌توان عنوان کرد که بین چسبندگی هزینه و هموارسازی سود ارتباط مثبت معنادار وجود دارد.

فرضیه دوم: ساختار مالکیت باعث کاهش چسبندگی هزینه‌ها می‌شود.

جدول (۶): خلاصه نتایج آماری ارتباط بین سهامداران نهادی و چسبندگی هزینه

معناداری	آماره t	ضریب	شرح
۰,۰۰۱	۳,۷۲	۰,۰۳۶	عرض از مبدأ
۰,۰۲۱	۲,۲۷۱	۰,۰۱۷	سهامداران نهادی (متغیر مستقل) – (Inown)
۰,۰۰۱	۱,۸۳	۰,۰۴۰	کیو توبین (متغیر کنترلی) – (Tobin Q)

۰,۰۱۰	۳,۴۶	۰,۰۱۲	شدت سرمایه (متغیر کنترلی) (CAPR)
۸۶,۳۳۶			ضریب تعیین تعدیل شده (R^2)
۱,۸۶			آماره دوربین واتسون (DW)
(۰,۰۰۰) ۳۸,۲۸۲			آماره F (معناداری)

روش‌های آماری استفاده شده برای آزمون فرضیه پژوهش، روش اثرات ثابت است. بدین منظور ابتدا از آزمون F لیمر برای انتخاب از بین روش‌های اثرات مشترک و اثرات ثابت استفاده شد. مقدار آماره F محاسبه شده توسط نرم‌افزار معادل ۲۴/۷۹۴ بود که با توجه به معنادار بودن آن در سطح خطای کمتر از ۰/۵ امکان استفاده از روش اثرات مشترک میسر نگردید. در مرحله بعد، از آزمون هاسمن به منظور انتخاب از بین روش‌های اثرات ثابت و اثرات تصادفی استفاده شد. با توجه به اینکه مقدار آماره کای دو محاسبه شده توسط نرم‌افزار (۱۵/۶۵۴) در سطح خطای کمتر از ۰/۵ معنادار بود، لذا از روش اثرات ثابت برای برآورد مدل استفاده گردید. همان‌گونه که از نتایج جدول (۵) مشهود است، ضریب متغیر مستقل در سطح خطای ۵ درصد معنادار است. همچنین ضریب این متغیر مثبت است که بیانگر ارتباط مثبت بین ساختار مالکیت و چسبندگی هزینه است. متغیرهای کنترلی، در این مدل کیو-توین و شدت سرمایه است که با توجه به سطح خطای ۵ درصد معنادار هستند. ضریب تعیین تعدیل شده مدل نیز ۸۶/۳ درصد است که این موضوع نشان می‌دهد حدود ۸۶ درصد از تغییرات چسبندگی هزینه توسط شاخص کل راهبری شرکتی توضیح داده می‌شود. بررسی آماره F رگرسیون نیز حکایت از توان توضیح دهنده بالایی مدل دارد. مقدار این آماره در سطح خطای کمتر از یک درصد معنادار است. همچنین بررسی آماره دوربین واتسون نیز بیانگر عدم وجود همبستگی سریالی قوی بین اجزای اخلاص مدل رگرسیون است. دلیل این امر، نزدیک بودن این آماره به سمت عدد ۲ است. با توجه به تحلیل‌های فوق می‌توان عنوان کرد که بین چسبندگی هزینه و ساختار مالکیت ارتباط مثبت معنادار وجود دارد.

نتیجه گیری

پدیده چسبندگی هزینه دارای عوامل تعیین کننده متعددی است. پژوهش‌های پیشین سعی در شناسایی علل این پدیده داشته و برای آن، علل متعددی را ذکر کرده‌اند. طبق نظر کالجا و همکاران (۲۰۰۶)، بنکر و چن (۲۰۰۶) و شانگ و هونگ (۲۰۱۵) و چن و همکاران (۲۰۰۸)، راهبری شرکتی و هموارسازی سود، یکی از دلایل احتمالی چسبندگی هزینه‌هاست. براین اساس، پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخی برای این سؤال بود که آیا ساختار مالکیت و هموارسازی سود بر چسبندگی هزینه اثرگذار خواهد بود یا خیر؟

نتایج فرضیه اول نشان داد که بین هموارسازی سود و میزان چسبندگی هزینه رابطه مثبت معناداری وجود دارد. علت رابطه مثبت بین دو متغیر را می‌توان به دلایل شخصی مدیران نسبت داد که از رابطه نمایندگی ناشی می‌شود. همان‌گونه که عنوان گردید، مدیران فرصت طلب در زمان کاهش فروش، علاقه‌مند به کاهش بسیار آهسته این هزینه‌ها هستند. این رفتار، سبب تغییر چسبندگی هزینه‌ها از سطح مطلوب خواهد شد. این پدیده، احتمالاً به ارتباط مثبت بین هزینه‌های نمایندگی و میزان چسبندگی هزینه‌ها منجر خواهد شد و از آنجا که نظام‌های راهبری شرکتی در راستای کاهش هزینه‌های نمایندگی طراحی و اجرا می‌شوند، انتظار می‌رود هر چه نظام‌های راهبری شرکتی قوی‌تر باشند، ارتباط مثبت بین هزینه‌های نمایندگی و میزان چسبندگی هزینه‌ها کم‌رنگ‌تر شود. این یافته، با نتیجه مطالعه چن و همکاران (۲۰۱۲) و شانگ و هونگ (۲۰۱۵) مطابقت دارد اما در تضاد با نتیجه پژوهش پیچت کان (۲۰۱۲) است.

نتایج فرضیه دوم نشان داد که بین ساختار مالکیت و میزان چسبندگی هزینه رابطه مثبت معناداری وجود دارد. از طرفی، هدف نهایی هر واحد تجاری، حداکثر کردن سود و به دنبال آن، افزایش حقوق صاحبان سهام است. اما این امر، مستلزم آگاهی کامل از چگونگی رفتار هزینه‌ها و عوامل تأثیرگذار بر رفتار هزینه‌ها است. از مواردی که باید در تجزیه و تحلیل

رفتار هزینه‌ها موردتوجه قرارداد، پدیده چسبندگی هزینه است. نتایج فرضیات پژوهش با نتیجه مطالعه شانگ و هونگ (۲۰۱۵) و بولو و دیگران (۱۳۹۱) مطابقت دارد.

پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی

با توجه به اینکه در خصوص حسابداری مدیریت، به‌ویژه درباره رفتار هزینه‌ها، پژوهش‌های اندکی انجام شده است، انجام پژوهش‌هایی در این حوزه، لازم و کاربردی است. بررسی سایر عوامل تعیین‌کننده میزان چسبندگی هزینه ازجمله کارایی کارکنان، رشد اقتصادی، خصوصیات صنعت و غیره.

منابع

- ✓ کردستانی، غلامرضا، مرتضوی، سید مرتضی، (۱۳۹۰)، شناسایی عوامل تعیین‌کننده، چسبندگی هزینه‌های شرکت‌ها، فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی، دوره ۴، شماره ۳، صص ۱۳-۳۲.
- ✓ قائمی، محمدحسین، نعمت الهی، معصومه، (۱۳۸۶)، بررسی رفتار هزینه توزیع و فروش و عمومی واداری و بهای تمام‌شده کالای فروش رفته در شرکت‌های تولیدی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه مطالعات حسابداری، شماره ۱۶، صص ۷۱-۸۹.
- ✓ نمازی، محمد، دوانی پور، ایرج، (۱۳۸۹)، بررسی تجربی رفتار چسبندگی هزینه‌ها در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۷، شماره ۶۲، صص ۸۵-۱۰۲.
- ✓ Anderson, M., Banker, R., Janakiraman, S., (2003). Are selling, general, and administrative costs 'sticky'? J. Acc. Res. 41, 47-63.
- ✓ Anderson M. C, Banker R, Huang R, Janakiraman S. Cost Behavior and Fundamental Analysis of SG&A Costs, Journal of Accounting, Auditing & Finance 2007; 22(1): 1- 28.
- ✓ Banker, R., Byzalov, D., Plehn -Dujowich, J. (2011), and Sticky Cost Behavior: Theory and Evidence. Working Paper, Fox School of Business Temple University.
- ✓ Banker, R., Chen, L. (2006), Labor Market Characteristics and Cross-country Differences in Cost Stickiness. Working Paper, the University of Iowa
- ✓ Burgstahler, D., Dichev, I., (1997). Earnings management to avoid losses and earnings decreases. J. Acc. Econ. 24, 99-126.
- ✓ Chen, C., Lu, H., Sougiannis, T. (2008), Managerial Empire Building, Corporate Governance, and the Asymmetrical Behavior of Selling, General, and Administrative Costs. Working Paper, University of Illinois at Urbana- Champaign.
- ✓ Chen, C., Lu, H. and Sougiannis, T. (2012). "The Agency Problem, Corporate Governance, and the Asymmetrical Behavior of Selling, General, and Administrative Costs". Contemporary Accounting Research, Vol. 29(1), pp. 252-282
- ✓ Calleja, K., Stelios, M, and Thomas, D.C. (2006). "A note on cost stickiness: some international comparisons". Management Accounting Research, 17 (2): 127- 140.
- ✓ Cooper, R., Haltiwanger, J., (2006). "On the nature of capital adjustment costs." Rev. Econ. Stud. 73, 611-633.
- ✓ Cooper, R., Kaplan, R., 1998. The Design of Cost Management Systems: Text, Cases, and Readings. Prentice-Hall, Upper Saddle River, NJ.
- ✓ Degeorge, F., Patel, J., Zeckhauser, R., (1999). "Earnings management to exceed thresholds". J. Bus. 72, 1-33.

- ✓ Dierynck, B., Renders, A. (2009). "The Influence of Earnings Management Incentives on the Asymmetric Behavior of Labor Costs: Evidence from a Non-US Setting". Working Paper, Katholieke Universitet Leuven.
- ✓ Gong, Q., Liu, H., Shen, H., (2010). "The development of regional factor market, state holding and cost stickiness". *China Acc. Rev.* 04, 431–446 (in Chinese).
- ✓ Goux, D., Maurin, E., Pauchet, M., (2001). "Fixed-term contracts and the dynamics of labor demand". *Eur. Econ. Rev.* 45, 533–552.
- ✓ Healy, H., (1985). "The effect of bonus schemes on accounting decision". *J. Acc. Econ.* 7, 85–107.
- ✓ Hir ai, H., & Shiiba, A. (2006). "Cost behavior of selling, general, and administrative costs". *Journal of Management Accounting*, 14 (2), 15 -27.
- ✓ Jaramillo, F., Schiantarelli, F., Sembenelli, A., (1993). "Are adjustment costs for labor asymmetric? An econometric test on panel data for Italy". *Rev. Econ. Stat.* 74, 640–648.
- ✓ Jensen, M.C., Mecking, W.H., (1976). "Theory of the firm: managerial behavior, agency costs and ownership structure". *J. Financial Econ.* 3, 305–360.
- ✓ Kama, I., Weiss D. (2010). "Do Managers' Deliberate Decisions Induce Sticky Costs?" Working Paper, Tel Aviv University.
- ✓ Medeiros. O. R, Costa. P. S. (2004). "Cost Stickiness in Brazilian Firms", Available at SSRN 2004: <http://ssrn.com/abstract=632365>.
- ✓ Noreen, E., Soderstrom, N., (1997). "The accuracy of proportional cost models: evidence from hospital service departments". *Rev. Acc. Stud.* 2, 89–114
- ✓ Pfann, G., Palm, F., (1993). "Asymmetric adjustment costs in non-linear labour demand models for the Netherlands and UK manufacturing sectors". *Rev. Econ. Stud.* 60, 397–412.
- ✓ Pfann, G., Palm, F., (1997). "Sources of asymmetry in production factor dynamics". *J. Econ.* 82, 361–392.
- ✓ Pichetkun, N. (2012). "The Determinants of Sticky Cost Behavior on Political Costs, Agency Costs and Corporate Governance Perspectives". Unpublished PhD Dissertation, Faculty of Business Administration, Rajamangala University of Technology, Thailand
- ✓ Roychowdhury, S., (2006). "Earnings management through real activities manipulation". *J. Acc. Econ.* 41, 335–370.
- ✓ Shouyi, W. and Lijun, W. (2011). "Managerial Self-Interest, Board Governance and Cost Stickiness". Working Paper, Accounting School, Dongbei University of Finance and Economics, Dalian, China.
- ✓ Sub ramaniam, C., & Weidenmier, M. (2003). "Additional Evidence on the Sticky Behaviour of Costs". Working Paper. Texas Christian University.
- ✓ Shuang Xue., Yun Hong. (2015). "Earnings management, corporate governance and expense stickiness". *China Journal of Accounting Research.* 1-18.
- ✓ Sweeney (1994). "Debt-covenant violation and manager's accounting and economics". *J. Acc. Econ.* 17, 281–308.
- ✓ Weiss, D (2010). "Cost behavior and analysts' earnings forecasts". *Acc. Rev.* 85, 1441–1471.
- ✓ Yas ukata, Kenji, & Kajiwara, Takehisa. (2011). "Are "Sticky Costs" the Result of Deliberate Decision of Managers?" Available at: <http://ssrn.com>.